

پیش‌خواب

در حالات و مقامات زنده یاد حجت‌الاسلام محمد محقق لاهیجی

کارنامه‌سفر مرجعیت در قلب اروپا

■ **محمد رضا کائینی**



در روزهایی که بر ما گذشت، از شصت و یکمین سالروز ارتحال مرجع پرآوازه جهان تشیع، زنده یاد آیت‌الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی عبور کردیم. اثری که

هم اینک معرفی می‌شود، به واقع گزارش یکی از اقدامات مهم آن عالم والا مقام در دوران مرجعیت، یعنی تأسیس مسجد و مرکز اسلامی در هامبورگ آلمان و اعزام زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محقق لاهیجی برای مدیریت فعالیت‌های آن است. «سفر ششعه در غرب» اثری است که اخیراً از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته و زندگی و کارنامه نماینده آیت‌الله بروجردی، یعنی حجت‌الاسلام محقق را به شرح و تبیین نشسته است. ناشر در دیباچه این اثر و در باره محتوای آن چنین آورده است:

«بسط و گسترش اسلام در اقصی نقاط عالم، طی قرون متمادی و به تبع آن وجود شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) در کشورهای مختلف جهان، از روزگار دور توجه نهاد مرجعیت و روحانیت را برای حمایت و هدایت آنان جلب کرده بود. لذا اعزام مبلغانی برای آشنایی بهتر شیعیان با معارف اهل بیت(ع) اقدامی در این راستا بود. این موضوع به ویژه در عصر مدرن و جابه‌جا شدن و مهاجرت برخی از ایرانیان به غرب، بسرای کار، تحصیل و احیاناً زندگی، مرجعیت شیعی ایران را بر آن داشت تا مبلغانی را برای رسیدگی و تمسیت امور مذهبی معتقدان و اداره مساجد و اماکن مذهبی شیعیان، اعزام نمایند. در سال ۱۳۲۲، گروهی از ایرانیان مقیم هامبورگ در



حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محقق لاهیجی کنار سنگ بنای مسجد هامبورگ آلمان

یک گروه‌مایی، پیشنهاد تأسیس مسجدی را برای عبادت و برگزاری جلسات دینی مسلمانان با مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی مرجع وقت تقلید شیعیان مطرح کردند. ایشان در نامه‌ای ضمن موافقت با اجرای این طرح، مبلغی را برای انجمام دادن این کار کمک کردند. هم‌زمان با این اقدام، گروهی از بازرگانان تهران نیز مسئولیت جمع‌آوری کمک‌های مالی برای احداث مسجد هامبورگ را بر عهده گرفتند. بدین سان حجت‌الاسلام و الطمأنینة والانتظار...انتظار تنها جواب مسجد هامبورگ را بر عهده گرفتند.
بدین سان عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی و نخستین امام مسجد هامبورگ انتخاب شد. پس از ورود ایشان به هامبورگ، زمین مسجد که وجه آن از سوی یکی از تجار خیر ایرانی اهدا شده بود، خریداری شد. یک شرکت آلمانی به اتفاق مهندس حسین لرزاده معمار هنرمند ایرانی، مأموریت یافت تا طرح احداث مرکز اسلامی هامبورگ را کنار دریاچه زیبای آلستر در هامبورگ اجرا کند.

مجموعه پیش‌رو شرح مختصر و مستندی از تلاش‌ها و تکاپوهای حجت‌الاسلام محمد محقق به دست می‌دهد و در ضمن آن به موقعیت کشور آلمان و وضعیت شیعیان در آنجا، روابط آنها با سایر مسلمانان آن دیار و نحوه تعاملاتشان با دولت آلمانی می‌پردازد. بنایی که حجت‌الاسلام محقق پایه‌گذاری کرد، چندی بعد به دست آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی به پایگاهی برای وحدت مسلمین، محل عبادت و آموزش آنان و فعالیت‌های انقلابی علیه رژیم پهلوی تبدیل شد و در انتشار افکار انقلابی در میان ایرانیان مؤثر بود. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در راستای معرفی فعالیت‌ها و یزرگداشت خدمات حجت‌الاسلام محقق، اقدام به انتشار این کتاب کرده است. در پایان ضمن تقدیر از گردآوردگان اثر، از همکاران پر تلاش مؤسسه فرهنگی هنری تقدیر و تشکر می‌کنند...»



آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی در دوران جوانی

د

یکی از خصال مهم آن فقید سعید که در کمتر کسی می‌توان سراغ گرفت و شاید شما هم نشنیده باشید و تعجب کنید، این است که ایشان با آن همه مشغله در تحصیل، تدریس و تألیف و با آن جایگاه علمی بالا، حدود ۲۰ سال در هر شب جمعه، از قم به تهران می‌رفتند تا در مجلسی برای مردم صحبت کنند و این نشان می‌دهد که چقدر به فکر اعتقادات مردم و ارتقا و تقویت آگاهی متدبیین بودند و آن هم نه برای یک روز و دو روز، بلکه ۲۰ سال! آن هم با امکانات و وسایل ایاب و ذهابی که در آن روزها وجود داشت!

درس خارج را دنبال کند. این از جنبه تلاش آن بزرگوار، برای درس خواندن و درس دادن که در خور درس گرفتن است.

■ **مرجع فقید، در عرصه تقریر و تألیف**

ایشان از همان آغاز به تحصیل و همچنین تدریس درس خارج، تقریباً تمام درس‌هایشان را نوشته‌اند. این امر، اراده و پشتکار زیادی می‌طلبد. اساتید بزرگ دالماً سفارش می‌کنند که اگر درس خارج می‌دهید، آنها را بنویسید و تقریر داشته باشید. این کار به تقویت ملاتی و سواد انسان، کمک می‌کند و ایشان در زمره کسانی است که تمام دروسی را که تدریس کرده‌اند، نوشته‌اند. ویژگی دیگر ایشان، این بود که در ایامی که حوزه قم تعطیل بود تا سالی که می‌توانستند به عراق بروند، تابستان‌ها به نجف می‌رفتند که از دروس آنجا استفاده کنند و در آنجا از محضر حضرت امام، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و... بهره بردند. اگر انسان همت بالایی نداشته باشد، در تابستان به جای درس خواندن، استراحت می‌کند! لذا ایشان هم در دروس اساتید حوزه علمیه قم و هم حوزه علمیه نجف شرکت کرده بودند. به هر حال کسانی هستند که خوب درس می‌خوانند، خوب هم درس می‌دهند، اما نوشته ندارند و اهل قلم نیستند. ایشان شاید ۶۰ جلد تألیفات دارند که فقط ۲۰ جلد از آنها درباره فقه و مجلداتی دیگر در باره اصول هستند. اینها کار و همت می‌طلبد. این ویژگی‌ها هستند که ما باید در درس خواندن، درس گفتن و نوشتن داشته باشیم. ایشان فقط به فقه و اصول هم اکتفا نکرده‌اند، بلکه در سایر موضوعات، از جمله شرح وصایای رسول اکرم(ص) هم تألیفات ارزشمندی دارند که در خور استفاده هستند.

■ **مرجع فقید، در عرصه تبلیغ**

یکی از ویژگی‌های مهم دیگر در آن فقید سعید که در کمتر کسی می‌توان سراغ گرفت و شاید شما هم نشنیده باشید و تعجب کنید، این است که ایشان با آن همه مشغله در تحصیل و تدریس و تألیف و با آن جایگاه علمی بالا، حدود ۲۰ سال در هر شب جمعه، از قم به تهران می‌رفتند تا در مجلسی برای مردم صحبت کنند و این نشان می‌دهد که چقدر به فکر اعتقادات مردم و ارتقا و تقویت آگاهی متدبیین بودند و آن هم نه برای یک روز و دو روز، بلکه ۲۰ سال! آن هم با امکانات و وسایل ایاب و ذهاب آن روزها! چنین کاری، همت والایی می‌خواهد و نشان می‌دهد که ایشان، تدریس را کافی نمی‌دانستند، بلکه یک مبلغ قوی بودن را جزو وظایف اصلی خود تلقی می‌کردند. مردم هم وقتی این عشق و همت را می‌دیدند، روز به روز بیشتر از امثال ایشان، استقبال و استفاده می‌کردند. پس ایشان فقط

به درس و بحث و فقه و اصول اکتفا نکرده، بلکه یک مبلغ بسیار قوی هم بوده‌اند. بحمدالله بیان خیلی خوبی هم داشتند. ایشان پس از مرجعیت هم با به همین شیوه ادامه می‌دادند و ماه‌های رمضان، محرم و صفر به منطقه آسنا و اجدادی خودشان، یعنی استان گلستان می‌رفتند. این بزرگوار معتقد بودند که باید مردم را رشد داد و تدریس در حوزه کافی نیست و باید این هنر را داشته باشیم که برای مردم عادی کرده‌ایم. یک کنیم. به نظر من این امتیاز بسیار مهمی است، مخصوصاً که همانطور که اشاره کردم، بیان ایشان هم خوب بوده و سال‌های سال، منبر می‌رفته‌اند. از عده‌ای می‌پرسید: «شما در قم چه می‌کنید؟»، می‌گویند: «من مدرسم»، می‌پرسید: «چه درس می‌دهید؟»، می‌گوید: «مکاسب درس می‌دهم، کفایه درس می‌دهم، دروس خارج می‌دهم». اگر ما این بنا را بگذاریم که از هر کسی که دانش و اخلاقش را قبول داریم، تقاضا کنیم که بیوسهت خودت منبر برو، و بتوانی به مشکلات و سؤالات مردم پاسخ بدهی.

■ **مرجع فقید، در عرصه تدریس در حوزه علمیه قم**

این عالم بزرگوار، هنگامی که تدریس را شروع کردند، تمام دروس از معالم، رسائل، مکاسب و کفایه را گفتند. این را برای کسانی می‌گویم که خیلی زود شروع به تدریس خارج می‌کنند، در حالی که سابق بر آن در حوزه، اوضاع به این شکل نبوده است. نمی‌شود ابتدا به مسائل درس خارج گفت! اساتید بزرگ حوزه، از دروس اول شروع می‌کردند که آن قدر محبوب و مقبول واقع می‌شدند. ایشان همه دروس را تدریس کردند، بعد از سپری شدن ۳۰ سال، درس خارج گفتند. ببینید چقدر همت، عشق و علاقه می‌خواهد که انسان ۶۰، ۶۵، ۷۰ سال و بالاتر سن داشته باشد و باز با نشاط و جدیت، تدریس

بروجردی و از این جهت، در معرض توجه دیگران بودند. پس از آن دوره هم ایشان بیش از ۲۰ سال درس خواندند! ما مکرر در منابر عرض می‌کنیم که کسی بی‌جهت به جایی نمی‌رسد. بپهوه نیست که ایشان به چنین مرتبه‌ای از علم رسیده بودند. ما امروز نیاز مبرمی به علم، عالم، فقیه و متکلم داریم. ایشان طی ۱۲ سال، از درس آیت‌الله سیدمحمد محقق امام و چند سال از درس آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی، چندی از درس آیت‌الله شیخ محمدعلی اراکی و شاید حدود ۱۰ سال از درس حضرت امام خمینی(ره) بهره برده بودند. ایشان از محضر تمام بزرگانی که در قم بودند و می‌توانستند استفاده کنند، بهره بردند. ما طلبه‌ها باید از این بزرگان درس بگیریم. باید درس خواندن و اندوختن سواد را جدی بگیریم. امروز حوزه‌های علمیه بیش از هر چیز به طلبه با سواد نیاز دارد. کسی که مسائل زمانه را بفهمد و بتواند به مشکلات و سؤالات مردم پاسخ بدهد.

■ **مرجع فقید، در عرصه تدریس در حوزه علمیه قم**

این عالم بزرگوار، هنگامی که تدریس را شروع کردند، تمام دروس از معالم، رسائل، مکاسب و کفایه را گفتند. این را برای کسانی می‌گویم که خیلی زود شروع به تدریس خارج می‌کنند، در حالی که سابق بر آن در حوزه، اوضاع به این شکل نبوده است. نمی‌شود ابتدا به مسائل درس خارج گفت! اساتید بزرگ حوزه، از دروس اول شروع می‌کردند که آن قدر محبوب و مقبول واقع می‌شدند. ایشان همه دروس را تدریس کردند، بعد از سپری شدن ۳۰ سال، درس خارج گفتند. ببینید چقدر همت، عشق و علاقه می‌خواهد که انسان ۶۰، ۶۵، ۷۰ سال و بالاتر سن داشته باشد و باز با نشاط و جدیت، تدریس

۹ جوان

در قم فراوان است، ولی باز آن طور که شایسته است، به آن اهمیت داده نمی‌شود! بنده خودم این کمبودها را دارم، ولی دیگر آخر عمرم است! یک روزی به مانگفتند که بیایید زبان یاد بگیرید یا گفتند و ما گوش نکردیم! یا عربی و انگلیسی یاد بگیرید، چون یک روزی نیاز پیدا می‌کنید. امروز همچنان این نیازها مطرح هستند، با تمام سختی‌ها و مشکلاتی که به آن افزوده شده است. ما مشکلات معیشتی داریم، ولی این بزرگان هم داشتند و با وجود آن، به وظایف خود عمل می‌کردند. ما باید از آنها الگوبرداری کنیم. البته دیگران هم وظیفه دارند تا کمک و حوزه‌ها اداره کنند، ولی ما نمی‌توانیم معیشت سخت را مانعی برای درس خواندن، درس دادن و تبلیغ کردن قرار دهیم. پس یکی از امتیازات مهم آن بزرگوار، مبلغ بودنشان بود. هم برای این کار به تهران می‌رفتند، هم به شهرستان خودشان و هم به مناطقی که از ایشان دعوت می‌شد یا خودشان احساس می‌کردند که نیازی وجود دارد. این مسئله، بسیار مهم است.

■ **مرجع فقید، در عرصه اخلاق**

این را بنده قبلاً در یکی از منابع دیده‌ام که امام صادق(ع) فرمودند: «من سرره آن یکون من أصحاب القائم فلینظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق». حرف زدن درباره محاسن اخلاق ساده است، ولی رعایت این امر، کار ساده‌ای نیست. هر کسی که با این بزرگوار محشور بوده یا از ایشان سوآلی کرده یا با ایشان کاری داشته، مجذوب حسن اخلاق‌شان شده است! برای تبلیغ، به تهران هم که می‌رفتند، همه مشتاق سیره ایشان شده بودند. اخلاق بسیار امر مهمی است. امروزه از یک اهل علم، برخی از رفتارها مقبول و پسندیده نیست! مثلاً اگر کسی در خیابان، به او طعنه و کنایه‌ای بزند و او مقابلاً پاسخ بدهد! به هر حال تواضع علمی، یکی از ویژگی‌های آیت‌الله علوی گرگانی است. آن بزرگوار هیچ وقت نگفتند من که سال‌ها درس خارج گفتم‌ام، این همه تألیفات دارم، شاگردان زیادی را تربیت کرده‌ام، نباید منبر بروم و برای مردم صحبت کنم! ایشان در مرتبه‌ای بودند که مراجع تقلید در باره ایشان گفته‌اند فقیهه عالیقدر، مقام معظم رهبری در باره ایشان گفته‌اند عالم ربانی. ایشان باید چگونه زندگی و منشی کرده باشد که مقام معظم رهبری ایشان را عالم ربانی بدانند؟ این دو شخصیت، با هم آشنا بودند و از جایگاه یکدیگر خیر داشتند. شخصیتی که به ایشان می‌گوید فقیه عالیقدر، فقیهش را می‌بیند. مگر کسی به این زودی فقیه می‌شود؟ آن هم فقیه عالیقدر.

■ **مرجع فقید، در عرصه حمایت از نظام اسلامی**

امتیاز دیگر آن بزرگوار که مقام معظم رهبری هم در پیام خود روی آن انگشت گذاشته‌اند، این است که همه می‌دیدند که ایشان طی سالیان سال، انصافاً از حامیان مهم و قوی نظام اسلامی بودند. فقط هم حرف نمی‌زدند، بلکه در بزنگاه‌ها به میدان می‌آمدند. کسانی را که با ایشان ملاقات می‌کردند، نصیحت و در این جهت، مردم را بیدار می‌کردند.

■ **و کلام آخر**

حاصل سخن اینکه ما باید از این بزرگان درس بگیریم. امتیاز نخست ایشان تقوا و ورع و امتیاز دوم، مجاهده بود. معنی جهاد فقط این نیست که انسان اسلحه به دست بگیرد و جنگ برود. جهاد معانی بسیار وسیع و متنوعی دارد. در زمانی که بناست احکام اسلام زنده و به آنها عمل و قدرت دین تقویت شود، بسیاری از تلاش‌ها جهاد هستند. همواره می‌فرمودند هر کسی هر گوشه‌ای را بگیرد که به‌نوعی حمایت از این نظام است! اگر گره‌ای را باز و مشکلی را حل می‌کنند، جهاد کرده است. کسی که منتظر ظهور باشد و هم‌زمان خود را به نیور، ورع و محاسن اخلاق آراسته کند، راهی به سوی سعادت خواهد داشت و این امتیازی بود که این بزرگوار داشتند و بسیاری از بزرگان نیز دارند و همگی سر سفره نوسال (ع) هستند. ایشان همیشه در منزلشان، روضه و جلسات توسل داشتند. اکثر بزرگان ما می‌گویند کوشش و جهاد کردیم، ولی آن چیزی که در نهایت دست ما را گرفت، توسل به اهل بیت و توجه به آن ذوات مقدس بود. بنابراین باید برگزاری جلسات توسل به اهل‌بیت (ع) را جدی گرفت و آنها را باشکوه هر چه تمام‌تر برگزار کرد. این روزها شنیدید که حضرت اقا(رهبر معظم انقلاب اسلامی)، در پاسخ به این سخن که امروز باید از ابزار دیگری برای تبلیغ استفاده کنیم، فرمودند: منبر و مداحی، راه‌های استثنایی، یگانه و بسیار کارآمدی هستند. آیت‌الله علوی گرگانی هم همواره توصیه و نصیحت می‌کردند که هر وقت نیت کردید کار خوبی را انجام بدهید، بلافاصله و همان موقع انجام بدهید، چون فرصت از دست می‌رود و اگر فاصله بیفتد، شیطان نمی‌گذارد که انسان این مقصود سالرزش را عملی کند! هر کار خیرسی می‌خواهی انجام بدهی، معطل نکن. می‌شود گفت که این جمله کلید سعادت انسان است که در انجام کار خیر تأخیر نکند و این بزرگوار، خود در صف نخست عاملان به این سخن بودند. زندگی سراسر مجاهده آن بزرگوار، شاهدهی بر این مناسبت، در این طریق زندگی کرد و در همین طریق هم دار فانی را وداع گفت. عاش سعیدا و مات سعیداً. خدایش او را در جوار برگزیدگانش جای دهد و امثال او را در حوزه‌های علمیه و جامعه ما برای خدمت به اسلام و تشیع فراوان کند.